درگذشت یکی از علمای سرشناس دزفول

آیةالله سید محمد نبوی، فرزند ارشد آیةالله سید اسدالله نبوی، از علمای برجسته دزفول، سه‌شنبه ۱۵تیر، بر اثر بیماری در بیمارستان مهراد تهران درگذشت. آیةالله سید محمد نبوی، پس از درگذشت پدر بزرگوارش، مسئولیت مدرسه علمیه آیةالله نبوی را بر عهده داشت و از مدرسان برجسته این مدرسه علمیه بود. به مناسبت ارتحال این عالم ربانی، از سوی دفتر امام جمعه دزفول و با همکاری حوزه علمیه و فرمانداری این شهر، مراسم بزرگداشتی روز جمعه ۱۸تیرماه، در مسجد جامع دزفول برگزار شد.

انتقاد از کاهش سهمیه عمره حوزویان

معاون فرهنگی- تربیتی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران از کاهش سهمیه عمره حوزویان در سال جاری انتقاد کرد. حجةالاسلام والمسلمین محمدتقی قندی، با اعلام این خبر، در خصوص اقدامات صورت‌گرفته برای عمره طلاب در سال جاری گفت: به منظور برگزاری سفر عمره، که در اردیبهشت ۸۹ برگزار شد، از دی‌ماه گذشته اقدامات خود را به صورت رسمی آغاز کردیم و با پیش‌بینی ضرورت فراهم ساختن مقدمات، اقدام به تشکیل ستاد عمره طلاب نمودیم. وی افزود: نکته اصلی در مورد عمره امسال این بود که نمی‌توانستیم سفر عمره را فقط با حضور طلاب خواهر برگزار کنیم؛ به دلیل این‌که کشور عربستان از پذیرفتن بانوان مجرد کمتر از ۴۵ سال خودداری می‌کرد. حجةالاسلام قندی اضافه کرد: ضوابط این کشور در مورد نپذیرفتن بانوان مجرد باعث شد بخش خواهران عمره دانشجویی حذف شود، اما ستاد عمره طلاب تصمیم گرفت، این مراسم را به صورت متأهلی برگزار و موافقت سازمان حج و زیارت را در این زمینه اخذ کند. در این زمینه با نظر مثبت قائم‌مقام حوزه‌های علمیه خواهران، با نماینده مقام معظم رهبری در سازمان حج و زیارت گفت‌وگو شد که وی موافقت خود را نسبت به تغییر اعزام طلاب از مجردی به متأهلی اعلام کرد. معاون فرهنگی- تربیتی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران در ادامه با اشاره به این‌که در سال جاری وضعیت برگزاری مراسم عمره با توجه به مناسبات سیاسی ایران و عربستان مشخص نبود، خاطرنشان کرد: با این حال باید پیش‌بینی‌های لازم را در این مورد انجام می‌دادیم. در این راستا با موافقت سازمان حج و زیارت و تأیید قائم‌مقام مرکز، اقدام به ثبت‌نام اولیه طلاب با ظرفیت پذیرش سال گذشته کردیم؛ در حالی که در بخشنامه مربوط به آن اعلام کردیم این ثبت‌نام مقدماتی است و مرکز تعهدی نسبت به برگزاری عمره ندارد. وی ابراز داشت: در ارتباط با میزان سهمیه، با توجه به تاخیر برگزاری عمره در کشور، سهمیه حوزه‌های علمیه نسبت به سال قبل به نصف تقلیل یافت و در مجموع، تعداد طلاب و اساتید و کادر به هزار نفر رسید که این افراد نیز به صورت متاهلی به سرزمین وحی اعزام می‌شدند؛ یعنی ۵۰۰ نفر از حوزویان شامل اساتید، طلاب و کادر از آن استفاده می‌کردند. حجةالاسلام قندی در خاتمه سخنان خود بیان داشت: پیش‌بینی ما این است که در صورت امکان بتوانیم برنامه‌های اجرایی عمره سال آینده را از ابتدای مهرماه آغاز کنیم و تا نیمه مهر زائران را انتخاب نماییم.

راه‌کارهای تحول در حوزه‌های علمیه خواهران بررسی می‌شود

معاون شهرستان‌های مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه از برگزاری کارگروه مشورتی مدیران مدارس سراسر کشور به منظور بررسی راه‌کارهای تحول در حوزه خواهران در قم خبر داد. به گزارش مرکز خبر حوزه، حجةالاسلام والمسلمین رسول ابراهیمیان با اعلام این خبر، با اشاره به لزوم تحول و شکوفایی در حوزه‌های علمیه خواهران گفت: نباید به وضع موجود مدارس علمیه اکتفا کنیم، بلکه باید در اندیشه تحول و تغییر باشیم. وی، خلاقیت را از الزامات تحول دانست و افزود: باید نقاط ضعف و قوت را شناسایی کنیم و نقاط قوت را تقویت و نقاط ضعف را برطرف کنیم. معاون شهرستان‌های حوزه‌های علمیه خواهران اضافه کرد: برای آن‌که متحول شویم، ابتدا باید تحول‌پذیر باشیم و نگرش خود را نسبت به تحول تغییر دهیم. وی تحول را نیازمند هدف‌گذاری و ترسیم چشم‌انداز دانست و افزود: ایجاد تحول بدون نگرش و دانش امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین باید توان علمی خود را ارتقا داده و نگرش خود را تغییر دهیم تا به باور درستی نسبت به تحول برسیم و بتوانیم آن را ایجاد کنیم. حجةالاسلام ابراهیمیان، تشکیل کارگروه مشورتی مدیران مدارس علمیه خواهران را اقدامی در راستای ایجاد تحول در حوزه‌های علمیه خواهران ارزیابی کرد و ادامه داد: امیدواریم با پیگیری تصمیمات این کارگروه تحولاتی در مدیریت و برنامه‌های جاری مدارس ایجاد کنیم. بر اساس گزارش روابط عمومی حوزه‌علمیه خواهران، وی با اشاره به این‌که این کارگروه از تعدادی مدیران مدارس علمیه خواهران که با شرایط خاصی انتخاب شده‌اند، تشکیل شده است، اظهار داشت: این کارگروه در زمینه تصمیم‌سازی در برنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و... بازوی مشورتی شورای برنامه‌ریزی و شورای اداری مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران به شمار می‌رود.

اجرای عملیات عمرانی ساختمان مدارس علمیه خواهران آذربایجان شرقی در سال جاری

عملیات عمرانی ساختمان جدید حوزه‌های علمیه خواهران شهرهای استان آذربایجان شرقی، در سال جاری آغاز خواهد شد. آقای عبداللهی در گفت‌وگو با سرویس استان‌های مرکز خبر حوزه، گفت: در هفته‌های آتی موافقتنامه‌ای بین معاونت اداری- مالی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران سراسر کشور و استانداری آذربایجان شرقی مبنی بر احداث ساختمان جدید مدارس علمیه خواهران در این استان امضا خواهد شد. وی خاطرنشان ساخت: در اجرای این طرح، ۲۵٪ از کل هزینه از سوی مردم، ۲۵٪ از ۷۵٪ باقی مانده از اعتبارات ملی و باقی هزینه‌ها از محل اعتبارات عمرانی استان‌ها تأمین خواهد شد. معاون اداری- مالی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، سهم این اعتبارات را در اعتبارات عمرانی سال جاری استان آذربایجان شرقی، ۱۸۰ میلیارد ریال بیان کرد. آقای عبداللهی با اعلام فعالیت شش حوزه خواهران در استان آذربایجان شرقی به برنامه مرکز مدیریت برای تأسیس چهار مدرسه جدید در تبریز اشاره کرد و افزود: خیرین و مسئولین شهرهای اسکو و میانه نیز پیگیر راه‌اندازی مدرسه علمیه خواهران هستند که امید است، به زودی جواز تأسیس این مدارس صادر شود.

هم‌اندیشی مدیران مدارس علمیه اصفهان

چهارمین نشست ماهانه مدیران مدارس علمیه استان اصفهان با حضور مدیر و اعضای شورای معاونین حوزه علمیه در مدرسه علمیه اباصالح المهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف اصفهان برگزار شد. به گزارش سرویس استان‌های مرکز خبر حوزه، آیةالله طباطبایی‌نژاد نماینده ولی فقیه در استان اصفهان، طی سخنان کوتاهی، ضمن بیان نکته‌هایی به مدیران مدارس علمیه، خواستار توجه به نظم و انضباط بیشتر در مدارس علمیه و اهتمام به اجرای دقیق مصوبات شد.

حجةالاسلام‌والمسلمین کشکولی نیز در این نشست، از راه‌اندازی حوزه مجازی برای طلاب خبر داد و گزارشی از فعالیت‌های انجام شده در این راستا ارائه نمود. وی افزود: بخش استعدادهای درخشان طلاب در مدرسه علمیه اباصالح‌المهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف که بیشتر قشر تحصیل‌کرده هستند نیز در این مدرسه راه‌اندازی خواهد شد.

مدیر مدرسه اباصالح المهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف با اشاره به برنامه‌های اجرایی در این مدرسه گفت: برگزاری اردوهای زیارتی، علمی و دیدار با علما و بزرگان از برنامه‌های ویژه این مدرسه است. حجةالاسلام والمسلمین کشکولی در ادامه این نشست، با یادآوری این‌که ۲۶۰ طلبه در حال تحصیل در مدرسه علمیه اباصالح‌المهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف هستند، گفت: یک پنجم این تعداد دارای معدل بالای ۱۹ می‌باشند.

در ادامه این نشست، برخی از مدیران و مسئولان معاونت‌ها، مسایلی را پیرامون سعه صدر، لزوم تربیت افراد در بخش‌های مختلف، ضرورت استفاده از یافته‌ها و تجربه‌های دیگران، نظم و انضباط، ضرورت برنامه‌ریزی در کارها و... را مطرح نمودند.

بر پایه این گزارش، خبر دیگری از حوزه علمیه اصفهان حاکی است، کلنگ احداث مدرسه علمیه اباصالح المهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به دست آیةالله طباطبایی‌نژاد، مدیر حوزه علمیه اصفهان، با حضور مدیران ارشد مدارس علمیه استان اصفهان، به زمین خورد.

این ساختمان در زمینی به مساحت ۱۸۰۰ متر مربع در شش طبقه و با ظرفیت پذیرش ۱۰۰۰ طلبه، طی چهار سال ساخته خواهد شد. در این مدرسه علمیه چهل کلاس درس و دو خوابگاه در نظر گرفته شده است. این ساختمان تازه‌تأسیس، در آینده پذیرای شعبه مؤسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی قدس‌سره و مدرسه حضرت اباصالح المهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف خواهد بود.

تعطیلی در قاموس طلبگی معنا ندارد

یکی از اساتید حوزه علمیه قم گفت: درس و بحث حوزه علمیه تعطیل‌شدنی نیست و اساساً تعطیلی، دوری از تحصیل و روزمرگی در شان طلبگی نمی‌باشد. حجةالاسلام والمسلمین نجم‌الدین طبسی، در حاشیه اولین روز برگزاری دروس تابستانی سطوح عالی در مدرسه مرحوم آیةالله‌العظمی گلپایگانی قدس‌سره در گفت‌وگو با خبرنگار مرکز خبر حوزه، اظهار داشت: تهاجم وسیع دشمنان نظام اسلامی، القائات انحرافی و باران شبهات فکری و اعتقادی، دیگر برای هیچ طلبه فاضلی جایی برای تعطیلی و روزمرگی نمی‌گذارد. وی افزود: برای کسی که به عنوان طلبه وارد حوزه علمیه می‌شود و از سربازان مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام و یاران امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف محسوب می‌شود، تعطیلات معنا ندارد و طبق آیات و روایات وارده طالب علم تا پایان عمر باید به کسب علم و معرفت بپردازد. این استاد حوزه علمیه با اشاره به برگزاری دروس حوزوی ویژه تابستان، بیان داشت: در ایام تابستان تنها شیوه تدریس و نوع دروس ارائه‌شده تغییر می‌کند و در سایر موارد همان روال سابق حوزه دنبال می‌شود؛ یعنی در ایام سال تحصیلی، دروس اصلی و در ایام تابستان، دروس دیگری تدریس می‌گردد. وی تصریح کرد: سیره علمای گذشته نیز چنین بود که در ایام تابستان

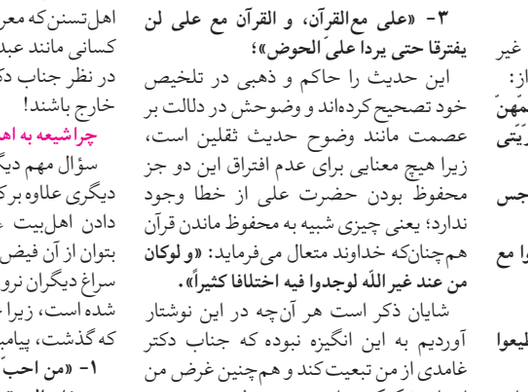

برای تحصیل و کسب معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام یا به شهرهای خوش آب و هوا عزیمت می‌کردند و یا در همین شهر قم برای طلاب و فضلا کلاس درس برگزار می‌نمودند؛ به طوری که هرگز توقف علمی نداشته و از تحصیل علم دور نبودند. حجةالاسلام والمسلمین طبسی اضافه کرد: امروز طلاب باید در برابر هجمه‌هایی که دشمنان علیه ارکان اسلام دارند، گام‌های محکمی بردارند و مبانی علمی و اعتقادی جامعه را تقویت کنند و در روشنگری مردم تلاش جدی داشته باشند. وی بر حضور جدی طلاب در کلاس‌های تابستانی تأکید کرد و بیان داشت: مرکز مدیریت حوزه علمیه به دلیل اهمیت این مسئله برنامه‌ریزی خوبی انجام داده است؛ بنابراین طلاب باید این امر را جدی بگیرند و از فرصت‌های پیش رو نهایت استفاده را ببرند و در هدایت مردم تلاش مجدانه‌ای داشته باشند. این استاد حوزه در پایان با اشاره به برگزاری کلاس شبهات وهابیت خاطرنشان کرد: اساس کار طلاب باید اعتقادات باشد و عقاید اسلامی بیشتر مورد بررسی قرار گرفته و تقویت شود، زیرا یکی از رسالت‌های مهم حوزه تقویت بنیه اعتقادی طلاب و جامعه است. وی گفت: اخیراً ایران اسلامی نقش جهانی پیدا کرده و دشمنان، به‌ویژه وهابیت برای کم‌رنگ‌کردن عظمت ایران، تهاجم سنگینی علیه اعتقادات ما شروع کرده‌اند؛ بنابراین باید عقاید خود را تقویت نموده و نسل جوان را آگاه‌تر کنیم.

پاسخ منطقی روحانی شیعه به مفتی وهابی

چندی پیش یکی از روحانیون سعودی نسبت به پذیرش و رسمیت دادن مذهب شیعه از سوی برخی از علمای الازهر واکنش نشان داد. وی که دکتر احمدبن سعد بن حمدان الغامدی نام دارد و استاد تحصیلات عالی در دانشگاه ام‌القری در مکه مکرمه است، طی نامه‌ای خطاب به علمای الازهر نوشت: «چگونه علمای الازهر به خود اجازه می‌دهند شیعه را به رسمیت بشناسند در حالی که شیعیان، ۱۲ منبع جدید در کنار کتاب و سنت ایجاد کرده‌اند؟!» وی هم‌چنین از اخراج شیعیان از الازهر توسط صلاح‌الدین ایوبی تمجید کرده و بازگشت آن‌ها از سوی دارالتقریب مصر را زیر سؤال برده بود. این روحانی سعودی در ادامه بغض و کینه خود نسبت به مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام گفته بود: «عصمت برای هیچ‌کس به جز پیامبر نداریم و هر کس قائل به عصمت غیر پیامبر باشد، از امت اسلامی خارج شده است.» وی از علمای الازهر خواسته بود تا این مسایل را با بزرگ‌ترین مراجع شیعه در میان بگذارند و از آن‌ها جواب بخواهند. حجةالاسلام عبدالجلیل سعد، از فضلای حوزه علمیه، طی نوشتاری به اظهارات این وهابی متعصب پاسخ داد. به گزارش سرویس بین‌الملل مرکز خبر حوزه، متن این پاسخ که از پایگاه اینترنتی این روحانی شیعه اخذ و ترجمه شده، به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

به طور حتم، مذهب شیعه دوازده امامی یک مذهب حاشیه‌ای نیست که هر شخصی بخواهد هر چه دوست دارد در مورد آن بگوید و در صورت طرح، باید توقع شنیدن برخی جواب‌ها را هم داشته باشد. من تصور نمی‌کنم جناب دکتر غامدی توقع جواب از ما را نداشته باشد و ما دوستدار گفت‌وگو با وی در مورد دیدگاه او نسبت به مذهب حقه اثنی‌عشری هستیم. آقای دکتر غامدی در مطالب خود از یکسری جعلیات تاریخی از جمله در مورد صلاح‌الدین ایوبی و عبیدیون استفاده کرده است و کافی است که مسلمانان و محققان را به تحقیقات مرحوم حسن‌الامین در مورد صلاح‌الدین ایوبی احاله دهم تا مقارنه‌ای بین مطالب تمجیدی درباره این شخصیت و آن‌چه در کتاب‌های تاریخی درباره وی آمده که امثال آقای دکتر نمی‌خواهند برملا شود، انجام پذیرد. به راستی چه ارتباطی میان نامه شما برای اساتید الازهر و یک واقعه تاریخی در مورد صلاح‌الدین ایوبی وجود دارد؟ آیا این‌گونه شاهد گرفتن از تاریخ، جنبه عاطفی که شایسته مردان عاقل نمی‌باشد، ندارد؟! از همه این‌ها گذشته، مجرد بیرون راندن شیعیان از الازهر، شاهدی بر منطقی بودن این عمل نیست، زیرا پیامبر ﷺ از مکه بیرون رانده شد و مسلمانان نیز از اندلس اخراج شدند و اسلام در بسیاری از کشورهایی که جزو اتحاد جماهیر شوروی بودند، بیرون رانده شد و چیزی جز نام از آن نماند و هم اکنون بازگشته یا درحال بازگشت است. بنابراین اگر قدرت داشتن برای بیرون راندن، ملاک تعیین حق باشد، لازمه آن این است که جناب آقای دکتر ملتزم به سخنی شده باشد که او را از اسلام خارج کند، زیرا در این‌صورت قدرت اخراج پیامبر ﷺ دلیلی بر عدم حقانیت تبلیغات پیامبر و مسلمانان می‌شود!! و اگر قدرت بر بازگشت (چنان‌که به‌وسیله دارالتقریب صورت پذیرفت و مذهب شیعه دوباره به الازهر بازگشت)، شهادت بر حقانیت و اصالت یک مذهب است، لازمه این امر از هم گسیخته شدن تمام رشته‌های بافته شده توسط جناب دکتر خواهد بود، زیرا بازگشت شیعه به میهن رانده شده از آن، دلیل بر صحت عقاید ایشان خواهد شد.

عصمت اهل‌بیت علیهم‌السلام

از دیگر مطالب آقای دکتر غامدی این است که طبق اجماع امت، عصمت مختص به رسول خداست و هر کس غیر از این را ادعا کند از اسلام خارج شده است.

این سخن از چند ناحیه قابل ملاحظه است:

۱- در آن تکفیر واضح دیده می‌شود، زیرا در آن برای کسی که قائل به عصمت غیر پیامبر خداست، حکم به خروج از امت اسلامی صادر شده است.

۲- این تکفیر، متوجه برخی از علمای اهل‌تسنن، یعنی آن دسته که به عصمت حضرت علی‌ابن ابی‌طالب اعتراف نموده‌اند نیز می‌شود، زیرا بر خلاف تصور آقای دکتر، این اعتقاد مختص به شیعه نیست و برخی از علمای اهل تسنن به این حقیقت اعتراف کرده‌اند.

۳- اعتقاد شیعیان مبنی بر عصمت اهل‌بیت علیهم‌السلام گرفته شده از قرآن و سنت است و اگر حکمی مبتنی بر تعداد زیادی از آیات و روایات و قواعد و کلیات عقلی باشد، داخل در علم معقول اسلامی می‌شود، بنابراین اگر این حکم، به نظر ما صحیح نباشد، تنها چیزی که در مورد آن می‌توان گفت این است که این حکم، نادرست و از مسایل اختلافی در فهم کتاب و سنت است و به هیچ وجهی نمی‌توان به واسطه آن، حکم به خروج از امت اسلامی و دیگر الفاظ کرد؛ الفاظی که به وفور در ادبیات جناب آقای دکتر وجود دارد. و لذاست که اساتید الازهر و دیگر افراد که با نرم‌خویی و نیک‌سیرتی با پیروان مذهب تشیع رفتار کرده‌اند، از مذهب خویش کوتاه نیامدند، ولی این اساتید می‌دانند که سخنان و مواضع شیعه بر قرآن و سنت تکیه دارد و همین امر، معیار ورود و خروج مذهبی

از امت اسلامی است. در این‌جا بر من لازم است که این مطلب را با مثالی بیان کنم و پس از آن، تعدادی از ادله شیعه برای عصمت ائمه علیهم‌السلام را ذکر کنم. شیعیان با گروه‌هایی از مسلمانان مواجه شدند که در مورد خداوند مطالب نادرستی را گفته بودند؛ مانند کسانی که قائل به جسم داشتن خداوند بودند و یا معتقد به جبر و خلق افعال بندگان توسط خداوند بودند و یا گروه دیگری که گفتند خدا می‌تواند هر کس را که بخواهد حتی پیامبران را در آتش بیفکند و هر کس را بخواهد از آتش نجات دهد حتی اگر قاتل پیامبران باشد و دیگر عقایدی که منافی اصل عدل است. اکنون ما این سؤال را مطرح می‌کنیم که آیا شیعیان، صاحبان این عقایدی را خارج از اسلام معرفی کردند؟ خیر، بلکه شیعیان ایشان را مسلمان می‌دانستند، هر چند در ضلالت بودند، زیرا این عقاید انحرافی ناشی از آیات متشابه قرآن و روش نادرست ایشان در تعامل با سنت بود و از همین جاست که این افراد نتوانستند و نمی‌توانند متشابه قرآن را به محکم ارجاع داده و بین ظاهر و اظهر جمع کرده و عام را به خاص تخصیص و مطلق را به وسیله مقید، تقیید زنند. بر این اساس هر کس بر قرآن و سنت به طور واضح اعتماد کند و مباحثی داشته باشد که در آن دیدگاه‌های خود را با دیگر مذاهب مقارنه کند و به عبارت دیگر نظر اشتباه خود را با این‌که می‌داند اشتباه است، از روی فریبکاری و عنادورزی ابراز نکند، پس او مسلمان است. و بر همین پایه بود که گروهی از الازهر بر این نظر شدند که شیعه، چه با آن‌ها موافق باشد چه متفاوت، در اعتقاد خود به کتاب و سنت بر می‌گردد.

ادله قرآنی برای عصمت ائمه علیهم‌السلام

اما ادله قرآنی که شیعه برای عصمت غیر پیامبر خدا بر آن تمسک می‌کند عبارت‌اند از:

۱- « و إذ ابتلی إبراهیم ربّه بکلمات فأتمهنّ قال إنّی جاعلک للنّاس إماماً قال و من ذرّیّتی قال لا ینال عهدی الظّالمین »

۲- «إنّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت و یطهّرکم تطهیرا»

۳- « یا أیّها الّذین آمنوا اتّقوا اللّه وکونوا مع الصّادقین »

۴- « و أنفسنا و أنفسکم »

۵- « یا أیّها الّذین آمنوا أطیعوا اللّه و أطیعوا الرّسول و أولی الأمر منکم »

آیا آقای غامدی که در بخش اعتقادات تخصص دارد، نمی‌داند که این آیات، مورد مناقشه طولانی بین شیعه امامیه و دیگران بوده است؟ و آیا در توان وی هست که بدون نیاز به بحث- بحثی که آسایش او را هفته‌ها و بلکه ماه‌ها سلب کند- از ظاهر این آیات عدول کند؟ مگر این‌که آقای دکتر غامدی، قدرتی را عرضه کنند که مفسران بزرگ از علمای اهل‌سنت از آن عاجز بودند، چرا که فخر رازی به این حقیقت اعتراف کرده است که برخی از این آیات، دلالت بر ضرورت وجود معصوم در هر زمان می‌کند اگر چه آن معصوم در دیدگاه او، اهل‌بیت علیهم‌السلام نیستند، بلکه اجماع امت است.(مراجعه به تفسیر کبیر ذیل آیه ۱۱۹ از سوره توبه) و علاوه بر آن فخر رازی درباره آیه چهارم مورد اشاره می‌گوید: « قرار دادن علی ﷺ در منزلت و جایگاه «نفس» رسول خدا این اقتضا را دارد که این دو به طور کلی در تمام جهات، مساوی باشند و به این کلیت فقط در مورد حق نبوت و حق فضیلت عمل نشده است» و من می‌گویم یکی از جهاتی که استثنا نشده، عصمت است. فخر رازی درباره آیه پنجم به‌طور خلاصه این‌گونه می‌گوید: «خداوند متعال به تبعیت از کسی که اقدام به خطا می‌کند، امر نمی‌کند و از طرفی یقیناً خداوند امر به اطاعت از اولی‌الامر کرده است؛ در نتیجه هرکسی که خداوند امر به اطاعت از او می‌کند، لازم است که معصوم از خطا باشد و در نتیجه اولی‌الامر در آیه باید معصوم باشد.» و علاوه بر این‌ها، برخی عصمت را مخصوص اهل‌حل و عقد دانسته‌اند و این مطلب، گواه روشنی است که اعتقاد به عصمت غیر پیامبر، اختصاص به شیعیان ندارد؛ البته چه بسا طبق معیار آقای دکتر غامدی، شخصیت‌هایی چون فخر رازی، خارج از امت اسلامی باشند!

ادله روایی شیعه برای عصمت ائمه علیهم‌السلام

و اما روایاتی که شیعیان برای اثبات عصمت غیر رسول خدا به آن تمسک جسته‌اند فراوان است که من به ذکر سه روایت بسنده می‌کنم:

۱- حدیث ثقلین که از طرق فراوانی نقل شده است و از جمله آن‌ها، روایتی است که احمد در مسند ابوسعید خدری به این صورت آورده است: **«قال‌رسول‌الله ﷺ: انی قد ترکت فیکم ما ان اخذتم به لن تضلوا بعدی، الثقلین احدهما اکبر من الاخر کتاب الله حبل ممدود من السماء الی‌الارض و عترتی اهل‌بیتی ألّا و انهما لن یفترقا حتی یردا علیَ الحوض.»** (مسند احمد، ۱۱۵۸۱) شیعه با توجه به روایت فوق و عدم جدایی عترت از کتاب خدا در هیچ زمانی و ادله دیگر، به این فهم نایل شده است که اهل‌بیت علیهم‌السلام، عصمت دارند.

۲- قول پیامبر ﷺ که می‌فرماید: **«النجوم امان لاهل الارض من الغرق و ان اهل‌بیتی، امان لامتی من الاختلاف فاذا خالفتها قبیلة من العرب، اختلفوا فصاروا حزب الشیطان.»** چه دلیلی محکم‌تر از حدیث فوق برای اثبات عصمت اهل‌بیت علیهم‌السلام وجود دارد که در آن مخالف اهل‌بیت علیهم‌السلام را از حزب شیطان دانسته است؟ و لازم به ذکر است که این حدیث مورد تصحیح حاکم و هم‌چنین ذهبی در ذیل مستدرک قرار گرفته است.

۳- **«علی مع‌القرآن، و القرآن مع علی لن یفترقا حتی یردا علیَ الحوض»**؛

این حدیث را حاکم و ذهبی در تلخیص خود تصحیح کرده‌اند و وضوحش در دلالت بر عصمت مانند وضوح حدیث ثقلین است، زیرا هیچ معنایی برای عدم افتراق این دو جز محفوظ بودن حضرت علی از خطا وجود ندارد؛ یعنی چیزی شبیه به محفوظ ماندن قرآن هم‌چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: **«و لوکان من عند غیر اللّه لوجدوا فیه اختلافا کثیراً».**

شایان ذکر است هر آن‌چه در این نوشتار آوردیم به این انگیزه نبوده که جناب دکتر غامدی از من تبعیت کند و هم‌چنین غرض من ایجاد تشکیک در او نسبت به مذهبش نیست، بلکه هدفم تبیین این نکته بود که هر کدام از علمای اهل تسنن چه در الازهر یا جای دیگر که به صحت تبعیت از مذهب شیعه در فروع تصریح کند، نشان از عمق او در فقاهت دارد، زیرا این ادله قرآنی و روایی بر این مطلب دلالت دارند که شیعیان بر فهم خویش از قرآن و سنت تکیه کرده‌اند، کما این‌که تفاوت دیگران با ایشان ناشی از تفاوت فهم ایشان از قرآن و سنت است؛ بنابراین شیعه و اهل تسنن هر دو بر سر سفره قرآن و سنت هستند و همین است که کیان امت اسلامی را حفظ می‌کند.

این‌ها تنها بخشی از استنادات بود

مطلب دیگری که شایسته بلکه لازم است به آن اشاره شود این است که احادیث ذکر شده تنها بخشی از احادیث مورد استناد شیعه است و جناب دکتر، اعتقادی به احادیث ما ندارد و حتی ما را در نامه خود به سخن‌سازی برای اهل‌بیت علیهم‌السلام متهم می‌نماید و من نمی‌خواهم نسبت به این اتهام، چیزی بگویم. و اما درباره این‌که آقای غامدی، شیعه را یک مذهب باطنی دانسته‌اند، باید عرض کنم که با وجود احترام به ایشان، از کم‌حیا بودن آقای دکتر در این‌گونه سخن گفتن وی بسیار تعجب می‌کنم، زیرا کلام ایشان، فتنه‌انگیز و خطرناک است، مخصوصاً این‌که در جای دیگر، شیعه را متهم به خروج از امت اسلامی می‌کند؛ در حقیقت بهره‌مندی از چنین ادبیاتی آن هم از سوی استاد تحصیلات عالی، امیدهای ما به دانشگاه‌هایمان را به یأس تبدیل می‌کند. و سؤال ما این است که مقصود از باطنیه در نظر آقای دکتر چیست؟ در این‌جا سه معنا برای باطن وجود دارد که همه آن در مذاهب اهل‌تسنن یافت می‌شود، همان‌گونه که در شیعه دیده می‌شود و اگر در ذهن آقای دکتر، معنای چهارمی وجود دارد، خواهشمندیم آن‌را بیان کنند تا مطلع شویم.

سه معنای باطن:

۱- مقصود از باطن همان فقه‌القلوب و فقه‌الباطن است که این معرفت جز برای افراد دارای قابلیت معرفت شهودی و وجدانی از اولیای صالح خدا وجود ندارد و این معرفت در مورد برخی از پیشگامان از علمای اهل‌تسنن نیز گفته شده است و علمای الازهر نیز به وجود این معرفت در اولیای معتقدند.

۲- مقصود از باطن، تاویل باشد و این مختص به شیعه نیست، اگر چه در ساز و کار تأویل، اختلاف وجود دارد، اما در مورد اصل آن اختلافی نیست.

نکته تعجب‌آور دیگر این است که چگونه می‌شود فردی که پیروسخنان حضرت رسول ﷺ است از امت اسلامی خارج می‌شود و او را به عنوان کافر یا زندیق نام می‌برند، اما کسی که ده‌ها سخن پیامبر خدا در مورد منزلت اهل‌بیت علیهم‌السلام را نمی‌پذیرد داخل امت اسلامی است؟! و تعجب من از کسی است که وجود دوازده امام شیعیان را مزاحم قرآن و سنت می‌داند اما آوردن کلمه «جماعة» بعد از کلمه «اهل‌السنة» را مزاحم قرآن و سنت نمی‌داند! لازم به یادآوری است که ابن‌الملقن در شرح بخاری می‌گوید: «چگونه جایز است کسی قیاس را انکار کند؟ این کار را تنها کسی انجام می‌دهد که خداوند دل او را نابینا کرده و مخالفت جماعت را برای او مزین ساخته است....»

۳- مقصود از آن چیزی است که ظرفیت آن‌را کسی غیر از انبیا و اوصیا ندارد و این مطلب نیز مورد موافقت جماعتی از علمای اهل‌تسنن که معروف به اولیا می‌باشند، هست؛ کسانی مانند عبدالقادر گیلانی و... مگر این‌که در نظر جناب دکتر، این‌ها نیز از امت اسلامی خارج باشند!

چرا شیعه به اهل‌بیت علیهم‌السلام رجوع می‌کند؟

سؤال مهم دیگر این است که آیا شیعه، منبع دیگری علاوه بر کتاب و سنت دارد یا خیر؟ قرار دادن اهل‌بیت علیهم‌السلام به عنوان منبعی که بتوان از آن فیض برد و این‌که با وجود ایشان به سراغ دیگران نرویم، از جانب رسول خدا گرفته شده است، زیرا علاوه بر حدیث ثقلین و نجوم که گذشت، پیامبر فرمودند:

۱- «من احبَ ان یحیا حیاتی و یموت میتتی و یدخل الجنة التی وعدنی ربی بها و هی جنةالخلد فلیتولَ علی‌بن‌ابی‌طالب و ذریته من بعده فانهم لن یخرجوکم من باب هدی و لن یدخلوکم فی باب ضلالة» و مانند این حدیث نیز در خصوص حضرت علی ﷺ وارد شده است. شایان ذکر است این حدیث نیز با تصحیح حاکم در مستدرک آمده است (۱۳۹/۳).

۲- «مثل اهل بیتی فیکم کمثل سفینة نوح من رکبها نجا و من تخلف عنها غرق». آری، با توجه به این ندای محمدی، شیعیان از اهل‌بیت علیهم‌السلام تبعیت می‌کنند. حال جناب دکتر! اگر اساتید الازهر به ندایش، گوش دهند و خواسته شما را اجابت کنند تا این‌که سؤالات مطرح شده توسط شما را به بزرگ‌ترین مراجع شیعه بازگو کنند، مرجعیت شیعه پاسخ تو را با این احادیث، بلکه ده‌ها و صدها حدیث دیگر می‌دهند؛ احادیثی که با وجود صحت سند، در کتاب‌ها فراموش شده و غبار نسیان آن‌ها را در برگرفته است و اگر ما آن‌ها را منتشر کنیم، احساس خفگی برای مخالفان اهل‌بیت علیهم‌السلام به ارمغان خواهد داشت.

چگونه است که شیعه، خارج از امت اسلامی است اما...؟

نکته تعجب‌آور دیگر این است که چگونه می‌شود فردی که پیرو سخنان حضرت رسول ﷺ است از امت اسلامی خارج می‌شود و او را به عنوان کافر یا زندیق نام می‌برند، اما کسی که ده‌ها سخن پیامبر خدا در مورد منزلت اهل‌بیت علیهم‌السلام را نمی‌پذیرد، داخل امت اسلامی است؟! و تعجب من از کسی است که وجود دوازده امام شیعیان را مزاحم قرآن و سنت می‌داند، اما آوردن کلمه «جماعة» بعد از کلمه «اهل‌السنة» را مزاحم قرآن و سنت نمی‌داند! لازم به یادآوری است که ابن‌الملقن در شرح بخاری می‌گوید: «چگونه جایز است کسی قیاس را انکار کند؟ این کار را تنها کسی انجام می‌دهد که خداوند دل او را نابینا کرده و مخالفت جماعت را برای او مزین ساخته است....» هم‌چنین ابن‌تیمیه در فتاوای خود(۴۴۶/۵و ۵۲۵) می‌گوید: «بعضی از مردم بر آن شدند که عذاب قبر فقط بر روح واقع شود، مانند ابن میسره و ابن حزم و این سخن، سخن منکر نزد اهل سنت و جماعت است.» جناب دکتر! آیا طبق این گفته‌ها نمی‌توان نتیجه گرفت که «جماعت» در تعابیر شما، منبع دیگری غیر از کتاب و سنت است؟ آیا این‌که شما می‌گویید این عمل، عمل سلف و دیگری مورد ترک سلف است، اتخاذ منبع دیگری برای تشریع در مرتبه رسول خدا ﷺ نیست؟ آیا طبق منطق و ادبیات شما، ما هم به این دلیل باید به شما بخندیم و نسبت ساده‌لوحی به شما بدهیم؟

روش شما، تعجب‌آور و نگران کننده است

بنابراین جناب آقای دکتر غامدی! اگر چه شما را در حد خود محترم می‌دانیم، اما روش شما نسبت به امامیه، یک روش تعجب آور و مضحکانه و در عین حال نگران‌کننده و گریه‌آور است. از خداوند متعال می خواهیم که ما را هدایت کند و حق را به ما معرفی کند و توفیق تبعیت از آن‌را به ما بدهد و باطل را به ما بشناساند و توفیق اجتناب از آن‌را به ما عنایت کند.